



بررسی روابط معنایی در اسامی مرکب برون مرکز زبان فارسی

مرجان طاهری اسکویی

استاد هیئت علمی گروه زبان شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تاکستان

زهرا پروینی راد

مدرس گروه مترجمی زبان انگلیسی دانشگاه پیام نور کنگاور

پیمان تباری

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کنگاور

تاریخ پذیرش: ۹۵/۰۲/۱۸

تاریخ دریافت: ۹۴/۱۰/۱۲

چکیده

در بررسی زبان شناختی واژه‌ی مرکب^۱ از دو یا چند تکواژ قاموسی پدید می‌آید و حداقل شامل دو پایه است که هر دو واژه‌اند یا این که ریشه‌ی تکواژ محسوب می‌شوند. در آثار بسیاری به واژه‌های مرکب فارسی اشاره شده است اما تعداد آثاری که دیدگاهی معنی شناسی نسبت به واژه‌های مرکب فارسی داشته‌اند با میزان تحقیقاتی که

۱. compound word

این گونه واژه‌ها را مورد بررسی قرار داده‌اند اندک بوده است. هدف پژوهش حاضر این است که با رویکردی معنایی-شناختی، انواع روابط معنایی اسامی مرکب برون مرکز را بررسی کنیم. از دیدگاه زبان شناسی شناختی، آن نوع رابطه‌ی معنایی که میان اجزای ترکیب وجود دارد معیاری قطعی برای تعبیر نهایی ترکیب است. اسامی مرکب درون مرکز دارای روابط معنایی شناخته شده بین اجزای خود هستند؛ در حالی که اسامی مرکب برون مرکز از الگوی مشخصی در این زمینه پیروی نمی‌کنند. با مطالعه‌ی کتاب‌ها و بررسی روزنامه‌ها این اسامی را گردآوری کردیم و به بررسی روابط معنایی بین اسامی مرکب برون مرکز بر اساس فهرست گیرجو و همکاران^۲ (۲۰۰۵) پرداختیم که در نتیجه مشخص شد اسامی مرکب برون مرکز دارای ۱۱ نقش معنایی هستند، از جمله رابطه‌ی مالکیت، تشبیه، مکانی و... پربسامدترین این روابط معنایی از نوع روابط معنایی استعاری و عددی هستند و کم بسامدترین آن‌ها از نوع سببی هستند. این بررسی‌ها در حوزه‌های صرف، قابل استفاده است و در راه گشودن گره‌های دستور زبان فارسی نیز به ما کمک می‌کند.

کلیدواژه‌ها: واژه‌های مرکب، رابطه معنایی، برون مرکز، درون مرکز

۲- مقدمه

گسترش و تقویت واژگان، از طریق ساختن کلمات جدید، ویژگی اساسی تمام زبان‌های طبیعی است و هر زبانی روش‌هایی برای خلق کلمه جدید دارد یکی از طبیعی‌ترین روش‌ها، روش ترکیب است که در اکثر زبان‌هایی که مورد مطالعه قرار گرفته مشاهده شده است (آشر^۳، ۲۰۱۰: ۵۰۲) و در بسیاری از زبان‌ها (مثلاً انگلیسی، آلمانی و فارسی) در رقابت با سایر روش‌های واژه‌سازی، فعال‌تر است. علت آن هم این است که در دوره‌های زمانی مختلف، با پیدایش مفاهیم و اشیاء جدید، نیاز به استفاده از کلمات جدید پیش می‌آید و از آن جا که کلمات بسیط در تمام موارد نمی‌تواند پاسخ گوی این نیاز باشند، زبان با استفاده از ترکیب عناصر موجود، در صدد رفع این نیاز بر می‌آید.

۲. Girju et al

۳. Asher

در دهه‌های اخیر، به ویژه در سال‌های پایانی قرن بیستم، مطالعات گسترده‌ای درباره‌ی ترکیب در زبان‌های مختلف به خصوص زبان انگلیسی، انجام شده و این فرایند مهم واژه سازی، از جهات مختلف مورد بررسی قرار گرفته است. دلیل این توجه را شاید بتوان در این امر یافت که در بسیاری از زبان‌ها، ترکیب از جمله فرایندهای زایای واژه سازی به شمار رفته، به غنای واژگان در این زبان‌ها کمک بسیاری کرده است و در ساخت واژه‌های مرکب این فرایند استفاده می‌شود.

«واژه‌ی مرکب، واژه‌ای است که از دو یا چند واژه ساخته شده باشد» (فاب، ۲۰۱۳: ۶۶). به عقیده‌ی کاتامبا: «واژه‌ی مرکب، کلمه‌ای است که حداقل شامل دو پایه باشد که هر دو واژه بوده و یا دست کم تکواژهای ریشه باشند» (کاتامبا، ۲۰۱۲: ۵۵). نمونه‌هایی چون «کتابخانه»، «خوش سخن»، «شیر دل» واژه‌های مرکب قلمداد می‌شوند. مسأله‌ی قابل توجه در ارتباط با معانی واژه‌های مرکب آن است که همیشه نمی‌توان معنی واژه‌های مرکب را حاصل جمع معانی اجزای آن دانست. بر این اساس، به لحاظ معنایی واژه‌های مرکب به دو دسته‌ی بزرگ تقسیم می‌شوند.

الف) واژه‌های مرکب درون مرکز^۴ ب) واژه‌های مرکب برون مرکز^۵

واژه‌های مرکب درون مرکز، واژه‌هایی هستند که همیشه معنایی‌شان درون واژه‌های مرکب قرار دارد.

به بیان ساده‌تر یکی از اجزای آن، هسته‌ی معنایی و اجزای دیگر توصیف‌گر آن محسوب می‌شوند. نمونه‌های (۱) و (۲) واژه‌های مرکب درون مرکز به شمار می‌آیند.

(۱) چراغ مطالعه ← نوعی چراغ

(۲) میز تحریر ← نوعی میز (افراشی، ۱۳۹۰: ۸۶).

در مقابل، واژه‌های مرکب برون مرکز، واژه‌هایی هستند که هسته معنایی‌شان درون واژه‌ی مرکب قرار ندارد. به بیان ساده‌تر، اجزای این نوع از ترکیب‌ها در خدمت توصیف مفهومی قرار دارند.

نمونه‌های (۳) تا (۴) واژه‌های مرکب برون مرکز محسوب می‌شوند.

^۴ . Endocentric compounds
^۵ . Exocentric compounds

۳) پاشنه بلند ← نوعی کفش

۴) تاج خروس ← نوعی گل

۵) سینه سرخ ← نوعی پرنده (همان منبع: ۸۶-۸۷).

وقتی که به بررسی اسامی مرکب بر اساس روابط معنایی می‌پردازیم متوجه می‌شویم اسامی مرکب درون مرکز دارای روابط معنایی شناخته شده‌ای بین اجزای خود هستند؛ در حالی که اسامی مرکب برون مرکز از الگوی مشخصی در این زمینه پیروی نمی‌کنند.

در این مقاله نگارندگان با ارج گذاشتن به سابقه، مقام علمی و زحمت استادان و نویسندگان در گذشته و حال، به پژوهشی تخصصی درباره اسامی مرکب درون مرکز و برون مرکز در زبان فارسی خواهند پرداخت.

به تدریج هر چه دستور نویسان بیشتر با نظریه‌های علمی زبان شناسی آشنا شدند و روش‌های علمی را در توصیف‌های خود به کار بستند، آثار ارزشمندتری در این زمینه نگاشته شد. در این قسمت ابتدا تعاریفی را که زبان شناسان از واژه‌های مرکب ارائه کرده‌اند بیان می‌کنیم، سپس به اختصار از مفهوم نظری مربوط به این پژوهش سخن به میان می‌آید و بعد پژوهش‌هایی که در زمینه‌ی تحلیل روابط معنایی در اسامی مرکب درون مرکز و برون مرکز زبان فارسی انجام شده است را بیان می‌کنیم.

واژه‌ی مرکب از دو یا چند واژه‌ی بسیط یا غیر بسیط ساخته شده و فرآیند ترکیب در این کار دخالت داشته است (شقاتی، ۱۳۹۰: ۹۲). کلمات مرکب از دو یا چند واژگ آزاد ساخته شده‌اند، مانند نیکدل، کم کار (کلباسی، ۱۳۹۰: ۳۶). مشکوه‌الدینی واژه‌ی مرکب را این گونه توصیف می‌کند: «واژه‌ی مرکب یک کلمه است که ساخت صرفی مرکب دارد. ساخت صرفی مرکب یعنی تلفیق دو پایه واژگانی با هم به طوری که نتوان آن‌ها را از یکدیگر جدا کرد. به بیان دیگر، عناصر دیگری میان این دو عنصر قرار نمی‌گیرند. به لحاظ آوایی هر واژه مرکب مانند واژه‌های ساده فقط یک تکیه می‌پذیرد» (مشکوه‌الدینی، ۱۳۹۱: ۵۷۷).

وجود روابط معنایی در اسامی مرکب را می‌توان با مفهوم نظری «اصل ترکیب پذیری معنایی» مرتبط دانست.

شماری از واژه‌های مرکب معنای ترکیب‌پذیر دارند و تعدادی، معنای ترکیب‌پذیر ندارند (شقاقی، ۱۳۹۰: ۱۲۵). معنای واژه‌های مرکب گاه ترکیب‌پذیر است، یعنی دانستن معنای سازه‌های سازنده‌ی کلمه مرکب به درک معنای آن کلمه کمک می‌کند. برای تعبیر معنایی واژه‌های مرکب درون مرکز « چلوکباب، تابلو فرش » کافی است که معنای تک تک اجزاء یا سازه‌های مرکب را با هم ترکیب کرد، در مقابل، معنای بعضی دیگر از واژه‌های مرکب ترکیب ناپذیرند و نمی‌توان با تکیه بر معنای اجزاء سازنده‌ی واژه مرکب به معنای کل واژه پی برد، مانند واژه‌های برون مرکز « سبک سر، ناخن خشک » (همان: ۹۵).

از رهگذر عملکرد فرایند ترکیب تکواژهای قاموس در کنار هم هم‌نشین می‌شوند تا واژه‌ی مرکب پدید آید. بنابراین، واژه‌ی مرکب واژه‌ای است که در ساختمان آن دو یا چند تکواژ قاموسی به کار رفته باشد. نمونه‌های (۱) تا (۴) واژه‌های مرکب محسوب می‌شوند.

(۱) خوش صحبت

(۲) تلخ زبان

(۳) صلح طلب

(۴) آبدارخانه

ترکیب، یک فرایند واژه‌سازی فعال برای ایجاد واژه‌های جدید در همه زبان‌هاست، بنابراین استفاده زبان‌ها از فرایند ترکیب را می‌توان یک جهانی زبانی به شمار آورد (افراشی، ۱۳۹۰: ۸۶). افراشی، در بررسی واژگان مرکب به لحاظ شفافیت و تیرگی معنایی به ۵ درجه‌ی شفافیت معنایی قائل است و واژگان مرکب را در درجات ۲ و ۱، ۰ و ۱- و ۲- درجه بندی می‌کند که ۲ نهایت شفافیت و ۲- نهایت تیرگی است. وی به عنوان مثال به ترتیب واژه‌های پارچه فروش، وزنه بردار، سرزنده، دوچرخه سوار، و کلاه بردار را در این جایگاه‌ها قرار می‌دهد. وی سپس، پیوستار « شفاف- تیره » را شاخصی برای مفهوم درون مرکز و برون مرکز می‌داند و بعد از ارائه‌ی تعریفی از واژه‌های درون مرکز و برون مرکز، رابطه‌ی بین آن‌ها را با پیوستار شفاف- تیره چنین بیان می‌کند که اگر در یک ترکیب واژگانی، هسته‌ی ترکیب نحوی در معنی ارجاعی به کار رفته باشد، ترکیب درون مرکز می‌شود و چنان چه هسته‌ی نحوی ترکیب در معنی ارجاعی به

کار نرفته باشد. ترکیب برون مرکز خواهد بود. پس هر چه به سمت شفافیت نزدیک شویم، امکان ظهور ترکیبات درون مرکز بیشتر می‌شود و بالعکس (افراشی، ۱۳۷۸: ۶۹-۷۰).

به کلمه‌ای که از دو واژه ساخته شده و هیچ کدام، هسته‌ی کلمه مرکب نیستند و با آن شمول معنایی ندارند، برون مرکز می‌گویند. کلمه مرکب به عنصری متفاوت از پایه‌های خود اشاره می‌کند که درون کلمه‌ی مرکب قرار ندارد. کلمه‌ی مرکب «گردن کلفت» به مصداق «گردن» یا صفت «کلفت» اشاره نمی‌کند. این کلمه به منزله صفت و به معنای «آن که دارای گردنی ستر است» برای کسی به کار می‌رود که از این صفت برخوردار است.

«نوروز» به معنای «روز» و «نو» به معنای متضاد با کهنه تعبیر نمی‌شود، بلکه به معنای «جشن بهار» در زبان فارسی به کار می‌رود. «آب سیاه» نام یک بیماری است و به «آبی که دارای رنگ سیاه باشد» اشاره نمی‌کند (رک شقاقی، ۱۳۹۰: ۱۲۴).

بدخشان و عاصی در مقاله‌ای با عنوان «رده بندی واژه‌های مرکب» بیان می‌دارند که ترکیبات برون مرکز، فاقد هسته می‌باشند، زیرا برای آن‌ها نمی‌توان هسته‌ی صوری یافت و طبقه‌ی واژگانی ترکیب، به وسیله‌ی هیچ یک از سازه‌های آن تعیین نمی‌شود (بدخشان، ۱۳۸۹: ۱۳). اما با توجه به عنوان این نوع ترکیب‌ها و برخلاف ادعای طباطبایی مبنی بر اینکه هیچ هسته‌ای ندارند (طباطبایی، ۱۳۸۲: ۲۶)، این نوع ترکیب‌ها نیز دارای هسته‌اند؛ بدین صورت که هسته‌ی آن‌ها به نحوی خارج از خود ترکیب، قابل بازیافت است. نکته‌ای که باید در اینجا خاطر نشان ساخت، این است که فرآیند استنباط یک هسته‌ی موجه و منطقی که حضور صوری ندارد، گاهی اوقات ممکن است کار ساده‌ای نباشد، مثلاً اگر استنباط هسته‌ی ترکیباتی مانند جیب بر یا بد دهن به راحتی امکان پذیر است (یعنی یک شخص)، آیا این امر در خصوص ترکیباتی مانند قایم موشک و نیم پهلوی هم صادق است و می‌توان به سادگی هسته‌ی برون مرکز آن‌ها را استنباط نمود؟ در نتیجه، به زعم این نگارندگان، شاید بتوان برای ترکیبات برون مرکز، زیر گروه دیگری قائل شد که در ادبیات موجود به آن‌ها ترکیبات ملکی یا بهوویرپهی می‌گویند. از لحاظ معنایی، این چنین ترکیب‌هایی مشخصه یا ویژگی‌ای را نشان می‌دهند که متعلق به یک هسته‌ی

اسمی غایب است و معمولاً نیز یک شخص است: مثلاً در انگلیسی ترکیب^۶ در درویل^۱ (بی باک) و اسپویل اسپورت^۷ (کسی که شادی دیگران را ضایع می‌سازد)، هر دو به شخص ارجاع دارند. یا در فارسی مثال‌هایی مانند چشم سفید، پا برهنه و دست گشاده از این دست هستند. تا آنجایی که این نگارندگان مطلع هستند، به نظر می‌رسد در زبان‌های مختلف، ارجحیت با ترکیب‌های درون مرکز است تا برون مرکز، و شاید بتوان این پدیده را با نظریه‌ی نشان داری مرتبط دانست، بدین صورت که در نظریه‌ی نشان داری، عناصر نشاندار در زبان بسامد وقوع پایین‌تری از عناصر بی نشان دارند و این ارجحیت یکی از جهانی‌های زبان است.

بدخشان و جودکی در مقاله‌ای با عنوان «شفافیت و تیرگی معنایی در واژگان مرکب» بیان می‌دارند که ترکیبات برون مرکز ممکن است شفاف یا تیره باشند، مثلاً ترکیب «جهان وطن» شفاف و «آبرو» تیره است. نبود هسته را نمی‌توان دلیلی بر تیره بودن معنی واژه دانست (بدخشان، ۱۳۹۰: ۱۳). نداشتن هسته و برون مرکز بودن دلیلی بر تیرگی نیست مانند «قد بلند» و «پابرهنه» که شفافند (همانجا). ترکیباتی که درون مرکزند، معنی شفافی دارند و وجود هسته در آن‌ها بر کل واژه شمول معنایی دارد (همانجا). در فارسی تمام ترکیبات فعل برون مرکز محسوب می‌شوند و هسته‌ی آن‌ها در بیرون از ترکیب یعنی در جمله‌ی زیر ساختشان دیده می‌شود مثلاً هسته‌ی ترکیب «بادنما» را باید در جمله‌ی معادل نحوی‌اش (وسیله‌ای که جهت باد را نشان می‌دهد) جستجو کرد (همان: ۱۴).

کریمی دوستان و وحید در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل معنایی کلمات مرکب اسم-اسم در زبان فارسی» بیان می‌کنند مسأله‌ی دیگری که درباره ترکیب‌های زبان فارسی باید به آن اشاره کرد، مسأله‌ی هسته‌ی معنایی این کلمات می‌باشد. هسته - معنایی ترکیبات اسم - اسم در فارسی از قاعده‌ی ثابتی پیروی نمی‌کند و در برخی از ترکیبات اسم اول و در برخی دیگر اسم دوم هسته واقع می‌شود. برای مثال می‌توان به ترکیب‌هایی چون «خمیر دندان» «دفتر یادداشت» به عنوان کلمات هسته آغازین و «کمر درد» و «سرباز خانه» به عنوان کلمات هسته پایانی اشاره کرد. همچنین می‌توان کلماتی را یافت که فاقد هسته می‌باشند، کلماتی که کلمات مرکب برون

^۶ Dare-devil

^۷ Spoil-sport

مرکز نامیده می‌شوند؛ مانند «سر و قد» و «پری رو» و کلماتی که کلمات مرکب هم‌پایه خوانده می‌شوند، مانند «شیر برنج»، «پدر و مادر» و غیره (کریمی دوستان، ۱۳۹۲: ۶۹).

مهدی سبزواری در مقاله‌ای با عنوان «تبیین و تحلیل روابط معنایی در اسامی مرکب برون مرکز فارسی معیار» که بر اساس فهرست گیرجو و همکاران (۲۰۰۵: ۴۸۵) می‌باشد بیان می‌کند در اسامی مرکب برون مرکز، بر خلاف اسامی مرکب درون مرکز، روابط معنایی بسیار محدود و تنها شامل چند مورد از فهرست موجود می‌شود. در مواردی که بین اجزای سازنده‌ی ترکیب نوعی رابطه‌ی معنایی قابل تشخیص باشد، این رابطه به واسطه‌ی رابطه‌ی دارای ویژگی به هسته و مرجع بیرون ترکیب منتسب می‌شود و، همان طور که گفته شد، تنوع این روابط بسیار محدود و بیش‌تر از نوع روابط زمانی و مکانی است. تفاوت رابطه‌ی معنایی در ترکیب‌های برون مرکز، با رابطه‌ی بین اجزاء اسامی مرکب درون مرکز در این است که رابطه‌ی معنایی در ترکیب‌های برون مرکز مانند ترکیب‌های درون مرکز، در درون ترکیب بین هسته و وابسته شکل نمی‌گیرد و کیفیت متفاوتی دارد. در اسامی مرکب برون مرکز، نوعاً بین مرجع و هسته‌ی معنایی بیرونی، از یک سو، و کل اسم مرکب برون مرکز، از سوی دیگر، رابطه‌ی دارای ویژگی وجود دارد و، در واقع، کل ترکیب صفتی برای مرجع بیرونی است. رابطه‌ی درون اسم مرکب برون مرکز می‌تواند با واسطه‌ی رابطه‌ی دارای ویژگی به هسته‌ی معنایی مرتبط شود (سبزواری، ۱۳۹۱: ۶۰).

در فارسی کلمات مرکب می‌توانند هم هسته آغاز باشند، مانند «خوش طینت» و هم هسته پایان، مانند «سفید رود». در زبان فارسی اگر یک واژه مشتق یا مرکب هسته معنایی داشته باشند، آن هسته، هسته نحوی هم هست. واژه‌های مرکب هسته دار (درون مرکز) می‌توانند هسته آغاز باشند، مانند «شکایت نامه» (یا هسته پایان باشند مانند «بداخلاق») در کلمات مرکب درون مرکز هسته معنایی برابر با هسته نحوی است (طباطبایی، ۱۳۸۲: ۲۶).

بائر، واژه‌ی مرکب را چنین تعریف می‌کند: «فرایند در کنار هم قرار گرفتن دو واژه برای تشکیل واژه‌ی سوم». وی تعریف دیگری را نیز از کلمه‌ی مرکب ارائه می‌کند: «کلمه‌ای که شامل دو یا چند ستاک بالقوه باشد و دست خوش فرایند اشتقاق نشده باشد» (بائر، ۲۰۱۰: ۱۱). به نظر وی، اسامی مرکب درون مرکز آن‌هایی هستند که کلمه‌ی مرکب در شمول معنایی هسته‌ی

آن قرار می‌گیرد، مانند صندلی راحتی که نوعی صندلی است. اسامی مرکب برون مرکز آن‌هایی هستند که کل کلمه‌ی مرکب در شمول معنایی هسته قرار ندارد، مانند واژه «سرخ پوست»، که «نوعی پوست» نیست. در واقع، این نوع اسامی مرکب در شمول معنایی هسته‌ای هستند که در ترکیب وجود ندارد. مثلاً، در مورد این اسم مرکب، ارجاع به «شخص» به عنوان هسته (تیره) است که در ترکیب وجود ندارد، یعنی شخصی که رنگ پوست وی قرمز است» (همان: ۳۱-۳۰).

هاسپل مٹ، کلمات مرکبی را که سازه‌هایشان با هم شمول معنایی دارند، ترکیبات درون مرکز نامیده است. بدین ترتیب که مثلاً در ارّه ماهی، هسته‌ی معنایی، درون خود ترکیب وجود دارد و با کل ترکیب، قابلیت جانشینی دارد، چرا که ارّه ماهی نوعی ماهی است و می‌توان به جای ارّه ماهی، هسته معنایی آن، یعنی ماهی را جایگزین کرد (هاسپل مٹ، ۲۰۱۲: ۸۷). بنابراین، مشاهده می‌شود که هسته این ترکیب‌ها نقش اصلی را در بیان مفهوم آن‌ها ایفا می‌کند. هسته هم در ابتدا و هم در پایان کلمه‌ی مرکب می‌آید و از این رو، می‌توان کلمات مرکب را به درون مرکز هسته آغازین و درون مرکز هسته پایانی تقسیم نمود. مثلاً میهمان سرا، ارّه ماهی و چشم پزشکی، کلمات مرکب هسته پایانی و آب انگور، راه آهن و آچار فرانسه، کلمات مرکب هسته آغازین هستند؛ چون مثلاً چشم پزشکی نوعی پزشکی است و یا آچار فرانسه نوعی آچار است. از آنجایی که واژه سازی نقش زیادی در جاودانگی و پویایی هر زبانی ایفا می‌کند، آشنایی با ترکیب و واژه‌های مرکب ما را در حفظ زبان مادری و تکامل و پویایی آن یاری خواهد داد.

اهداف این پژوهش، بررسی نسبتاً جامع از واژه‌های مرکب برون مرکز در زبان فارسی مبتنی بر یافته‌های زبان شناسی است و با رویکردی معنایی-شناختی، انواع روابط معنایی اسامی مرکب برون مرکز را بررسی می‌کنیم. از منظر زبان شناسی شناختی، آن نوع رابطه‌ی معنایی که میان اجزای ترکیب وجود دارد معیاری قطعی برای تعبیر نهایی ترکیب است. اسامی مرکب درون مرکز دارای یکی از اقسام روابط معنایی شناخته شده بین اجزای خود هستند؛ در حالی که اسامی مرکب برون مرکز از الگوی مشخصی در این زمینه پیروی نمی‌کنند. در این مقاله به

بررسی معنایی بین اسامی مرکب درون مرکز و برون مرکز بر اساس فهرست گیر جو و همکاران می‌پردازیم.

۳- روش گردآوری داده‌ها و پژوهش

نوع تحقیق کتابخانه‌ای است و شیوه مورد استفاده در این پژوهش توصیفی است. در این روش جهت گردآوری اطلاعات از مطالعات کتابخانه‌ای و در صورت لزوم از اطلاعات اساتید گروه ادبیات فارسی و زبان شناسی بهره گیری شده است. نگارندگان نمونه‌های خود را از کتاب‌های متعدد و روزنامه‌های باختر (چهارشنبه ۱۳ مردادماه ۱۳۹۵)، همشهری (پنج شنبه ۲۴ تیر ۱۳۹۵) و جام جم (پنج شنبه ۲۴ تیرماه ۱۳۹۵) جمع آوری نموده‌اند. با عنایت به این که داده‌های زبانی را نمی‌توان بر پایه‌ی روش‌های آماری مورد تجزیه و تحلیل قرار داد، روش مورد استفاده در این تحقیق به کارگیری مثال‌ها در زبان فارسی می‌باشد. پس از گردآوری داده‌های واقعی در زبان فارسی به صورت فیش برداری اطلاعات گردآوری شده است و نتایج خاصی از آن ارائه گردیده است. بر اساس فهرست گیرجو و همکاران (۲۰۰۵: ۴۸۵) به بررسی روابط معنایی اسامی مرکب برون مرکز پرداختیم که در نتیجه مشخص شد که در آنها، روابط معنایی واژه‌های مرکب برون مرکز نسبت به واژه‌های مرکب درون مرکز کمتر است و شامل ۱۱ مورد از فهرست موجود می‌باشد و این روابط شامل رابطه‌ی دارای ویژگی، زمانی، مالکیت، تشبیه، سببی، موضوع، جزء به کل، رابطه‌ی معنایی عامل / کنشگر، مکانی و رابطه‌ی استعاری هستند.

۴- تجزیه و تحلیل داده‌ها

با توجه به کثرت واژه‌های مرکب در زبان فارسی و یا بررسی فهرست‌های آماری به دست آمده از پردازش‌های پیکره‌های زبانی، از جمله پایگاه‌های داده‌های زبان فارسی، (عاصی، ۱۳۸۵: ۲۸) می‌توان نتیجه گرفت که این کلمات هم در زبان محاوره، توسط عامه مردم و هم توسط صاحب نظران ساخته می‌شوند. زبان فارسی می‌تواند از این امکان موجود بهره کافی ببرد و بسیاری از نیازهای خود را جهت یافتن برابر نهادهای مناسب برای واژه‌های علمی وارداتی، توسط این ساخت‌ها مرتفع سازد. « واژه‌ی مرکب معمولاً نتیجه ترکیب دو صورت آزاد یا واژه‌ای است که قبل از ترکیب شدن به صورت مستقل وجود دارند. این صورت‌ها اگر چه از دو

عنصر تشکیل می‌شوند، ولی مشخصات ممیزه یک کلمه را دارند، به طوری که اجزای آن‌ها را با صورت‌های دیگر نمی‌توان جدا ساخت و ترتیب شان نیز ثابت است» (آدامز: ۲۰۱۱، ۳۰).

مفهوم هسته هم به صرف و هم به نحو مربوط می‌شود و در تشخیص انواع واژه‌های مرکب راهگشاست. اهمیت مقوله هسته هنگامی برجسته‌تر می‌نماید که بخواهیم تمایزی بین واژه‌های مرکب درون مرکز و واژه‌های مرکب برون مرکز قائل شویم. همان گونه که از اسمشان پیداست، واژه‌های مرکب درون مرکز، هسته‌شان درون خود کلمه مرکب قرار دارد و کلمات مرکب برون مرکز، در خارج از ترکیب. با نگاهی هر چند سریع به منابع دستور مشخص شد که تحقیقات کافی درباره واژه‌های مرکب برون مرکز در زبان فارسی صورت نگرفته است و هنوز نیاز به پژوهش‌های جدید احساس می‌شود. در این راستا سعی شد، در این قسمت، نگارندگان به بررسی روابط معنایی در اسامی مرکب زبان فارسی بر اساس فهرست گیرجو و همکاران (۲۰۰۵) بپردازند.

۴-۱ روابط معنایی در اسامی مرکب در زبان فارسی

رابطه معنایی بخش مهمی از معنی و مفهوم اسم مرکب، به خصوص اسامی مرکب درون مرکز است. بر اساس فهرست گیرجو و همکاران (۲۰۰۵: ۴۸۵) پر بسامدترین روابط معنایی شناخته شده بین اجزای اسامی مرکب عبارتند از: (در این جدول این روابط معنایی به ترتیب بسامد آن، نوشته شده است).

طبقه بندی	۱-
مکان	۲-
طرحواره موضوعی	۳-
سببی	۴-
نوع	۵-
محتوا	۶-
منظوری و کارکردی	۷-

خویشاوندی	-۸
دارای ویژگی	-۹
منشأ	-۱۰
مالکیت	-۱۱
زمانی	-۱۲
عامل	-۱۳
عددی	-۱۴
جزء به کل	-۱۵
جنسیت	-۱۶
وسیله	-۱۷
ابزار	-۱۸
تشبیه	-۱۹
پذیرنده	-۲۰
همراهی	-۲۱
شیره	-۲۲

روابط معنایی فرق در اسامی مرکب درون مرکز دیده می‌شوند و بسامد روابط معنایی طبقه بندی، مکان، طرحواره موضوعی زیاد است و بسامد روابط معنایی همراهی و شیوه بسیار محدود است.

۲-۴ روابط معنایی در اسامی مرکب برون مرکز در زبان فارسی

در اسامی مرکب برون مرکز، هسته‌ی ترکیب خارج از کل ترکیب قرار می‌گیرد این ترکیبات بیشتر صفات انسانی و اشیا هستند. اجزای این نوع از ترکیب‌ها در خدمت توصیف مفهومی قرار دارند. اما در واژه‌های درون مرکز هسته معنایی درون واژه مرکب قرار دارد و هسته این

ترکیب‌ها نقش اصلی را در بیان مفهوم آن‌ها ایفا می‌کند. روابط معنایی میان اجزای واژه‌های مرکب برون مرکز در قیاس با واژه‌های مرکب درون مرکز تیره تر هستند. روابط معنایی میان اجزای سازنده این واژه‌ها تابع قوانین کلی و ساده نیست و دارای زایایی کمتری است. حال به بررسی روابط معنایی مین واژه‌های مرکب برون مرکز می‌پردازیم و در میان آن‌ها (۱) دسته معنایی شناسایی شد که این ۱۱ دسته تحت عنوان رابطه‌ی دارای ویژگی، مالکیت، تشبیه، سببی، عددی، عامل، موضوع، جز به کل، مکانی، زمانی و استعاری می‌باشند.

۱- رابطه‌ی دارای ویژگی

در واژه‌های مرکب برون مرکز «کهنه کار»، «سر سخت»، «خوش حساب»، «تازه کار»، «کله شق» «خوش مرام»، «خوش خوراک»، «خوشنام»، «خوش تیپ»، «خوش لباس»، «سنگدل»، «خوش چهره»، «خوش جنس»، «کم نظیر»، «نیکدل»، «چیره دست»، «خون سرد»، «زنده دل»، «نازکدل»، «خوش قلب»، و «دلرحم» هسته این ترکیبات یک شخص است و به راحتی هسته این ترکیبات را می‌شود استنباط نمود. این ترکیب‌ها از رابطه‌ی دارای ویژگی برخوردارند. مثلاً «کهنه کار» به منزله صفتی برای انسان با تجربه به کار می‌رود.

در واژه مرکب برون مرکز «پر رفت و آمد» مرجع آن نوعی محل و مکان است. واژه «نیم جوش» مرجع آن مایع است و واژه «پر زرق و برق» مرجع آن نوعی لباس است. این واژه‌های مرکب برون مرکز با مرجع شان دارای رابطه از نوع رابطه دارای ویژگی هستند.

واژه‌های مرکب سیاه پوست، زرد پوست، ریش سفید و گیس سفید دارای رابطه ویژگی‌اند. «سیاه پوست» به معنی فردی است که رنگ پوست وی سیاه است:

همچنین در واژه‌های مرکب

الف) زبان گنجشک، گوش خر (نوعی گیاه)، پیلگوش، گاو چشم، گوش فیل و ساق عروس.
 ب) تلخ بیان، شیرین بیان دوشاب (شیره‌ی انگور که آن را پخته باشند)، ریش بابا (گونه‌ای انگور درشت دانه و پر آب) و بهار نارنج بین ترکیب و مرجع آن رابطه‌ی دارای ویژگی وجود دارد. در واژه‌های مرکب (الف) رابطه‌ی استعاری نیز وجود دارد.

استعاره یعنی استعمال کلمه در مفهومی غیر از آنچه معمولاً به آن دلالت می‌کند؛ به بیان دیگر، یعنی عاریه گرفتن کلمه برای مفهوم یا برای نامیدن پدیده‌ای تازه که با مفهوم اصلی وجه تشابهی دارد (باطنی، ۱۳۸۵: ۱۳۱).

در ترکیبات (الف) کلمات زبان، گوش، چشم، ساق به صورت استعاره به کار رفته‌اند و استعاره آن‌ها بر پایه‌ی تشابه این مفاهیم با مفاهیم اصلی این ترکیبات قرار گرفته است.

۲- مالکیت

واژه‌های مرکب برون مرکز خار سر، (حیوانی که خار بر سر دارد)، خارتن، لاک پشت، خار پوست با مرجع شان دارای رابطه از نوع مالکیت هستند.

واژه‌های مرکب ماهرخ (فردی که دارای چهره‌ی زیبا شبیه ماه است)، گل اندام (فردی که دارای پیکری ظریف و زیبا شبیه گل است)، گل رخ، ماه چهره، مه لقا، آینه دل، درنده خو و پلنگ خو دارای سه نوع رابطه معنایی هستند رابطه معنایی مالکیت و تشبیه و ویژگی هستند.

۳- سببی

در این دسته از واژه‌های مرکب برون مرکز یک اسم سبب اسم دیگر می‌شود در واژه‌های «جادو نگاه، آگاه نگاه و دل آگاه» نسبت به مرجع بیرونی خود دارای رابطه‌ی سببی هستند. مثلاً در واژه «آگاه نگاه» به معنی فردی است که نگاهش آگاه می‌کند، «جادو نگاه» به معنی فردی است که نگاهش جادو می‌کند. بسامد واژه‌های مرکب برون مرکز که نسبت به مرجع بیرونی خود دارای رابطه سببی هستند بسیار کم می‌باشد.

۴- رابطه عددی

در واژه‌های سه راه، دویست برگ، هفت جوش (نوعی آلیاژ)، نیمرو، ششلول (اسلحه‌ی گرم کمری که جای شش فشنگ دارد)، نیم تنه، چهل کلید، چهار گل (داروی گیاهی سنتی)، هفت تیر، یکدل، دو دل، هفت خط، هفت بند (نوعی گیاه)، صدپر، یکدست، نیم و جب، یک دنده، نیمزبان، چهارسو، هشت پر، دو دندان (نوعی گیاه)، چهار باغ، چهار قد، پنج انگشت (نوعی گیاه)، چهار گوش (نوعی شکل هندسی)، نیمگرد (نت موسیقی)، سه گوش، هزار چشم (نوعی

گیاه برای درمان افسردگی)، یک دفعه، یک جا، چهل چراغ، دو شاخه، چهارخانه و چهار چشم می‌توان رابطه‌ی عددی را بین اجزای ترکیبات فوق دید.

بسامد واژه‌های مرکب برون مرکز که دارای رابطه عددی هستند زیاد است.

۵- رابطه عامل / کنشگر

واژه‌های تراشکار، آهنکار، صنعتکار، معرق کار، چرخکار، کاشیکار، منبت کار، جوکار، گندمکار، مونتاژکار، برشکار، تراشکار، کابینت کار، پرسکار، تعاون یار، آبیار، پژوهشیار، کنسول یار، دستیار، بهیار، ورزشکار، قلمکار و صنعتکار، نسبت به مرجع خود دارای ویژگی (عامل/ کنشگر) هستند در این دسته از واژه‌ها رابطه موضوع نیز وجود دارد و اسم دوم اسم اول را به عنوان موضوع خود می‌پذیرد.

۶- رابطه جزء به کل

در ترکیب‌های برون مرکز ته ریش، سر در، دُم برگ، نیمه شب، پشت پرده، پیش زمینه، ته رنگ، سر صفحه، دُمگل، سر شانه نسبت به مرجع خود دارای رابطه‌ی ویژگی (جزء به کل) هستند.

۷- رابطه مکانی / جهتی

در واژه‌های مرکب راه پله، ته کوچه، پس کوچه، زیر خانه، زیر زمین، بالا خانه، بهار خواب (ایوان سرپوشیده که بخشی از اطرافش باز باشد)، غلام گردش (ایوانی در جلو ساختمان که دریا پنجره‌ی اتاق‌ها به آن باز می‌شود) و پیشخوان، رابطه مکانی / جهتی دیده می‌شود.

واژه‌های «پشت بام، زیر زمین، بالا خانه، زیربنا و رو بنا» علاوه بر نشان دادن مکان، برای اشاره به جهت‌های مختلف به کار می‌رود. واژه « گلاباد» (نموداری که جهت و شدت بادهای یک منطقه را نشان می‌دهد) برای اشاره به جهت به کار می‌رود.

۸- رابطه‌ی استعاری

در ترکیب‌های «تند خو، شیرین زبان، خروس خوان، چشم شور، سنگین دل، زنده دل، چیره دست، نازکدل، نظر تنگ، دل‌سنگ، دریا دل، تنگدست، سبک سر، سبک عقل، سرکش، جان سخت، کله خر، شیر زن، بد چشم، دل‌بند، بد قدم، بد دماغ (خود پسند) رو راست و پرو پا

قرص رابطه‌ی استعاری وجود دارد. مثلاً در واژه مرکب «دل بند»، در حالت عادی، هم نشینی «دل» و «بند» امکان پذیر نیست و این دو جزء در هم نشینی با یکدیگر اکثر ویژگی‌های معنایی‌شان را از دست می‌دهند و به بیانی این مسئله باعث [-ارجاعی] شدن «دل» و هم چنین (-ارجاعی) شدن «بند» می‌شود و این امر سبب تیرگی معنی کل ترکیب می‌شود یا در واژه‌های مرکب «رو راست»، «نظر تنگ» و «سرکش» هم نشینی «رو» و «راست»، «نظر» و «تنگ» و «سر» و «کش» محال است و این سه واژه نیز دارای معنای تیره می‌باشند. در واژه «رو راست» معنای مجازی «صادق» را دارد و واژه «نظر تنگ» معنای مجازی بخیل را دارد، هیچ‌گونه رابطه نحوی بین دو جزء ترکیب وجود ندارد و این دو واژه تیره می‌باشند. همچنین در ترکیب‌های «سر بلند»، «دراز گوش (خر)»، «دم کلفت»، «دل سخت»، «پاکدست»، «دلنازک»، «کوتاه دست»، «کله گنده» و «خوش سخن» رابطه استعاری وجود دارد.

بسامد واژه‌های مرکب برون مرکز که نسبت به مرجع بیرونی خود دارای رابطه‌ی استعاری هستند زیاد است.

۹- رابطه زمانی

واژه‌های تمام وقت، میان‌ترم، نیمه وقت، پایان ترم، خروس خوان (موقعی که خروس می‌خواند: سپیده دم)، کوتاه مدت، بلند مدت نسبت به مرجع بیرونی خود دارای رابطه‌ی زمانی هستند.

۵- نتیجه گیری

نگارندگان در این پژوهش، روابط معنایی را در اسامی مرکب درون مرکز و برون مرکز بررسی کردند. زیرا معنای اسامی مرکب برون مرکز قاعده مند نیست و این کلمات بر حسب قیاس ساخته می‌شوند و معنایشان را نیز بر حسب قیاس می‌توان درک کرد. در اسامی مرکب برون مرکز، هسته ترکیب خارج از کل ترکیب قرار می‌گیرد و هسته‌ی معنایی‌شان درون واژه‌های مرکب قرار ندارد.

نتیجه‌ای که از این پژوهش می‌توان گرفت این است که :

۱- در اسامی مرکب برون مرکز، بر خلاف اسامی مرکب درون مرکز، روابط معنایی کمتر است و ۱۱ مورد از فهرست گیر جو و همکاران (۲۰۰۵) را در بر می‌گیرند. که این روابط عبارتند از: رابطه دارای ویژگی، عددی، مکانی، عامل، تشبیه، سببی، مالکیت، موضوع و استعاری، ویژگی (جزء به کل) و زمانی هستند. شایان ذکر است که سبزواری (۱۳۹۱) به روابط معنایی محدودتری در ترکیبات برون مرکز پرداخته است و به وجود روابط معنایی تشبیه، مالکیت، سببی و موضوع نپرداخته است.

۲- بر خلاف نظر سبزواری، (۱۳۹۱: ۶۰) که بیان می‌دارد بیشتر روابط معنایی در واژه‌های مرکب برون مرکز از نوع روابط زمانی و مکانی هستند، بسامد واژه‌های مرکب برون مرکز که دارای رابطه استعاری و عددی هستند زیاد می‌باشد.

۳- بسامد واژه‌های مرکب برون مرکز نسبت به مرجع بیرونی خود دارای رابطه سببی هستند کم می‌باشد.

۴- واژه‌های مرکب برون مرکز که دارای رابطه تشبیه هستند دارای دو نوع رابطه دیگر نیز می‌باشند از جمله رابطه معنایی مالکیت و دارای ویژگی.

۵- در واژه‌های مرکب برون مرکز که دارای رابطه عامل / کنشگر هستند رابطه موضوع نیز وجود دارد.

منابع:

منابع فارسی

- افراشی، آریتا. (۱۳۷۸). نگاهی به شفافیت و تیرگی معنایی در سطح واژه‌های مرکب، زبان و ادب، ش ۹ و ۱۰. ص ۶۱-۷۴.
- افراشی، آریتا. (۱۳۹۰). ساخت زبان فارسی، تهران: انتشارات سمت، ۱۶۱ صفحه.
- بدخشان، ابراهیم، جودکی، فاطمه. (۱۳۹۰). شفافیت و تیرگی معنایی در واژگان مرکب، فصلنامه علمی پژوهشی زبان و ادب فارسی. شماره ۸. ص ۲۶-۱.
- بدخشان، ابراهیم، عاصی، مصطفی. (۱۳۸۹). رده بندی واژه‌های مرکب، فصلنامه زبان و ادب پارسی. شماره ۴۶. ص ۹۴-۷۱.
- باطنی، محمد رضا. (۱۳۹۱). درباره زبان. تهران: انتشارات آگه، ۱۴۷ صفحه.
- طباطبایی، علاءالدین. (۱۳۸۲). اسم و صفت مرکب در زبان فارسی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

- سبزواری، مهدی. (۱۳۹۱). تبیین و تحلیل رابطه‌های معنایی در اسامی مرکب برون مرکز فارسی معیار، پژوهش‌نامه‌ی انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی. شماره ۱. ص ۶۱-۴۵.
- شفاق‌ی، ویدا. (۱۳۹۰). مبانی صرف. تهران: انتشارات سمت، ۱۵۰ صفحه.
- کریمی دوستان، غلامحسین، وحید، انیس. (۱۳۹۲). تحلیل معنایی کلمات مرکب اسم- اسم در زبان فارسی، پژوهش‌های زبان‌شناسی. شماره ۱. ص ۸۲-۶۵.
- کلباسی، ایران. (۱۳۹۰). ساخت اشتقاقی واژه در فارسی امروز، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۲۲۲ صفحه.
- مشکوه‌الدینی، مهدی. (۱۳۹۱). ویژگی‌های نحوی و معنایی فعل‌های مرکب در فارسی، مشهد: مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی. شماره ۱۴، صفحه ۵۸۱-۵۵۹.

منابع انگلیسی

- Adams, V. ۲۰۱۱. An Introduction to Modern English word formation. Oxford University Press, London, ۱۵۶p.
- Asher, R, E. ۲۰۱۰. The Encyclopedia of Language and Linguistics. Pergamon Press, Oxford, ۵۵۶p.
- Bauer, L. ۲۰۱۰. English Word Formation. Cambridge Univ. Press. Cambridge. ۴۸۰p.
- Fabb, N. ۲۰۱۳. Compounding. Pp ۶۶- ۸۳, In: Spencer, A. and A. M. Zwicky (eds.), The Handbook of Morphology, Black well, Oxford, ۱۶۶p.
- Girju, R., and Moldovan, D and Anthothe D. ۲۰۰۵. On the semantics of Noun Compounds. Pp ۴۷۹- ۴۹۶ Villavicencio, A., F. Bond and D. MC Carthy (eds), Journal of computer Speech and Language- Special Issue on Multiword Expressions.
- Haspelmath, M. ۲۰۱۲. Understanding Morphology. Oxford Univ. Press, London, ۳۹۴ p.
- Katamba, F. , and Stonham, J. ۲۰۰۶. Morphology, Macmillan: Macmillan Press LTD, ۳۸۲p.